

تقدیر - بنده تصور میکنم درست دقت در قسمت اول این ماده نشده است می گوید: هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفاء بدهد.

این جا نمی شود گفت بعضی اینکه بدون دلیل موجه استعفا داد کنترات او ملغی است و باید بولش کرد.

اینطور نیست برای اینکه ممکن است در موقعیکه وجود او لازم باشد او بیک ملاحظاتی بدون عنبر موجهی بخواهد استعفا بدهد در اینجا نمی شود گفت بعضی اینکه استعفا کرد باید استعفا او را قبول کرد.

بلکه باید موکول کرد بنظر رئیس کل مالیه و در اینجا می گوید بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه دولت می تواند کنترات او را ملغی نماید این قسمت اول قسمت دوم می گوید:

در صورتیکه در انجام وظائف خود کوتاهی کند و مسامحه ورزد و رئیس کل مالیه تشخیص بدهد دولت کنترات او را ملغی خواهد کرد جزائی هم که برای او محقق است همان فسخ کنترات او است برای اینکه فرض میکنیم کنترات او ۵ سال است بعد از گذشتن ۱ سال این شخص مسامحه کرد چهار سال دیگر باقی مانده کنتراتش ملغی می شود و در واقع یک ضرری باو خورده برای اینکه دیگر سالی ده هزار دلار باو نمی دهند و معلوم نیست وقتی هم که برگشتند بمحل خودشان ده هزار دلار بآنها داده شود.

بنابر این آن ایامیکه قانوناً ذی حق هستند و باید بآنها داد البته حقوق می دهند فقط یک چیزی هست که ممکن است جای نگرانی باشد و آن اینستکه اگر در اینجا پیشناد شود یعنی یک تصریحی شود که خرج معاودت باو داده نخواهد شد.

بنده هم موافقم زیرا ممکن است از این جمله استفاده این مطلب نشود و اگر این هم اضافه شود مقصود آقایان کاملاً تأمین میشود.

رئیس - عده کافی نیست آقای سید یعقوب - یک نفر آمد رئیس - باز کافی نخواهد بود. بقیه مذاکرات می ماند برای فردا آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - بنده سؤالی از وزارت معارف داشتم چند روز قبل هم بمقام ریاست هم عرض کرده بودم چون موقع آن می - گذرد میخواستم استدعا کنم که فردا آقای وزیر یا معاونشان برای جواب حاضر شوند.

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد رئیس مجلس شورای ملی - حسین پیرنیا منشی - م. شهاب منشی - دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه صد و شصت و هفتم صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و هفتم اردیبهشت هزار و سیصد و چهار مطابق بیست و سوم شوال ۱۳۰۳ و چهل و سه**

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای آقای میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای آقای میرزا شهاب قرائت نمودند) رئیس - آقای کاشانی (اجازه)

**آقای میرزا سید حسن کاشانی - بعد از تصویب صورت مجلس عرض دارم.**

رئیس - آقای هایم (اجازه) هایم - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - بنده هم بعد از تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای صدر آقای سید عبدالحسین صدر - چون اسم بنده را جزء غائبین بی اجازه نوشته اند خواستم یاد آوری کنم که بنده اجازه خواسته بودم

رئیس - اجازه با کمیسیون است. آقای آقا شیخ جلال (اجازه) آقای شیخ جلال - مطابق نظامنامه

خلاصه مذاکرات باید نوشته شود و همچنین مطابق سابقه اظهارات مقدماتی و همینطور نظریاتی که مجلس اتخاذ کرده در اظهارات و کلام البته بایستی نوشته شود با اهمیت اظهارات پریروزی بنده و هم چنین با اهمیت پیشنهاد آقای رئیس که در خصوص نطق یک نماینده از مجلس کسب تکلیف کرد و همچنین اهمیت رأی مجلس تغییر مهمی در نظامنامه ایجاد کرد.

بنده تصور می کنم این قسمت باید در صورت مجلس نوشته شود رئیس - بسیار خوب میل دارید نوشته می شود آقای مساوات (اجازه)

مساوات - عرضی ندارم رئیس - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟ (گفته شد خیر)

**رئیس - آقای کاشانی (اجازه)**

آقای میرزا سید حسن کاشانی - بنده نمی خواهم هیچوقت اوقات مجلس را اشغال کرده باشم ولی امروز ضرورت مقتضی شده است که خاطر مبارک آقایان را با اوضاع حالیه کاشان متذکر کنم

البته همه آقایان مسبوقند که مدت های مدید و سنین متمادیه در تحت فشار طاقت - فرسای اشرار سلب امنیت و زندگانی از اهالی کاشان شده بود مدت چند سال تقریباً سی اردو بکاشان فرستاده شد که هر کدام رفتند مزید بر علت شد سوای دو اردو که یکی اردوی قزاق بود و یک اردو هم در زمان کابینه آقای مستوفی الممالک فرستاده شد.

تاد رکابینه آقای وثوق الدوله بتداییر عملی اشرار آنجا قلع و قمع شدند ولی آن انتظاریکه مردم داشتند که پس از قلع و قمع اشرار یک آسایش عمومی نصیبشان شده و یک توجهی درباره شان بشود هیچوجه نشد.

معارف یک بودجه قلیلی دارد صحیحه هیچ ندارد ولی یک چیزی داشت که تا اندازه جبران خرابیها رمی نمود و آن عبور و مرور پستها و نواقل خط جنوب بود

چند سال است که این راهم از آنجا سلب کرده اند و از روی عدم بصیرت آمده اند عبور پست را از نیزار قرار داده اند کاشان حکم یک دهکده را پیدا کرده است حالا اگر بگویند پست چه مداخلیتی دارد که راهش اسباب آبادی یا خرابی بشود بنده عرض میکنم که اگر بنا باین پستها از حسن آباد بگرچ و یا از راه قم و ساوه پستها و قوافل بقزوین بروند و بطهران ورود نکنند و مسافرین قطع روابط از طهران بکنند طهران چه حالی پیدا می کند؟

البته رو بخرابی میرود یک حالت رقت آوری پیدا میکند.

از اوائل دوره پنجم مکرر در خصوص این مسئله با آقای رئیس الوزراء و وزیر فواید عامه و وزیر پست و تلگراف مذاکره شده است.

آقای رئیس الوزراء نهایت مساعدت را کرده اند که این راه درست شود ولی فعلیت پیدا نکرد است.

آقای وزیر فواید عامه می گفتند که من می دانم راه نیز از چهارده فرسخ نزدیکتر و راه کاشان مبالغی دورتر است و راهش هم بدتر است.

برای رفع این اشتباه از اداره مهندسی وزارت داخله بنده سؤال کردم که حقیقه اگر راه نیز از نزدیک تر است و راه کاشان دورتر فرسخ شمار آن را همین کنند.

بر فرض اینکه راه نیز از نزدیکتر

وراه کاشان هم دورتر بود نباید ک شهری که سالی دو بیست هزار تومان مالیات بدو می دهد برای چند فرسخ نزدیکتر یا دورتر خط عبور پست را از آنجا بر گردانند. این تصدیقی است که از روی نقشه میرزا عبدالرزاق خان وزارت داخله داده است.

از قم تا اصفهان از راه کاشان یعنی راه قهرود سی و هفت فرسخ است. از راه قدیمی که می رفتند به نطنز و آن جاها چهل و سه فرسخ و نیم است.

از راه نیز از سی و یک فرسخ است. سه فرسخ و نیم آن راه قدیم دورتر است راه دیگری هست که اهالی خبره صورتش را داده اند شش فرسخ نزدیکتر است و شش هزار هم نیست و باندک مخارجی تعمیر و اتومبیل رو و درشکه و کالسره رومی شود.

بعد گفتند که ما حاضریم راه را تغییر بدهیم ولی از طرف رئیس کل مالیه مخالفت خواهد شد خودت برو او را بین موافق هست یا نه؟

بنده دکتر میلسیورا ملاقات و مطلب را باو اظهار کردم دیدم کمال موافقت را دارد و حتی بنده تقاضا کردم موافقت خودش را کتیب دهد و نوشته است این هم نوشته ایست که داده.

پیشنهادی هم در این باب آقایان نمایندگان بمقام ریاست محترم مجلس کرده اند که بدوالت تذکره داده خود که این راه تغییر بدهند و اگر هم مخارجی دارد بطور مقتضی از عهده بر آید.

البته تصدیق خواهید فرمود که یک شهری که اینقدر بمرکز نزدیک و این همه ظلم و ستم دیده است و هیچ جبران نشده است دیگر نباید آن چیزی هم که داشته است از او سلب شود.

جمعی از نمایندگان - وارد دستور شویم.

روحی - بنده مخالفم با آنکه وارد دستور شویم.

رئیس - پیشنهاد های راجع به راه سیزده خبر کمیسیون بودجه باید قرائت شود پیشنهاد دکتر آقایان.

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که ماده سیزده بطریق ذیل تجزیه شود.

۱ - هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا بدهد فقط بحق مدت خدمت خود حق خواهد داشت.

(ب) هر گاه یکی از مستخدمین امریکائی در انجام وظایف خود کوتاهی یا مسامحه ورزد دولت بر طبق پیشنهاد رئیس کل مالیه می تواند کنترات او را ملغی نموده و در این صورت فقط حقوق ایامی که مشغول خدمت بوده و ایام مرخصی قانونی در باره او پس داده

می شود.  
رئیس - دیروز که توضیح داده اید  
باید رأی گرفته شود بقابل توجه بودن این  
پیشنهاد.

آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه  
میدانند قیام فرمایند  
(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد  
آقای کازرونی.

(اینطور خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که ماده سیزده  
اینطور اصلاح شود:

هر گاه یکی از مستخدمین آمریکائی  
بدون دلیل موجه از خدمت استعفا بدهد  
دولت می تواند کنتراست او را ملغی نماید و  
در این صورت حقوق ایام مرخصی از او سلب  
خواهد شد.

رئیس - آقای کازرونی  
(اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - توضیحی  
ندارم.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد  
را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.  
(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد  
آقای عظیمی

(اینطور قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم جمله ذیل در آخر  
ماده سیزده اضافه شود:

و خرج راه معاودت با داده نخواهد  
شد.

رئیس - آقای عظیمی  
(اجازه)

عظیمی - بنده توضیح زیادی ندارم  
همین قدر عرض میکنم در صورتیکه  
بکنفر متخلف باشد از انجام وظایف  
خودش و کنتراست را بدون عذر موجه  
نقض کند دیگر دولت ملزم نیست با خرج  
راه بدهد بنده اقل مجازات این را دانستم  
که مخارج معاودت را باوندهند.

مخبر - مقصود از این ماده همین  
است این عبارت را هم اضافه میکنیم.  
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا یدالله  
خازو سهرابزاده

(بترتیب ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت اخیر  
ماده سیزدهم اضافه شود: درلی مخارج عودت  
با آمریکا داده نخواهد شد

یک نفر از نمایندگان - همین پیشنهادی  
است که مخبر قبول کرده  
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید  
یعقوب.

(این قسم خوانده شد)  
بنده پیشنهاد می کنم در ماده سیزده  
در سطر سوم کلمه (میتواند) بکلمه (باید)  
تبدیل شود و بعد از کلمه ملغی عوض  
نموده نوشته شود نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
(این قسم خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده سیزده  
در سطر سوم کلمه (میتواند) بکلمه (باید)  
تبدیل شود و بعد از کلمه ملغی عوض  
نموده نوشته شود نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی توضیح  
نمیدم چون دیروز آقای وزیر مالیه  
قبول کردند که می تواند باید شود  
آن وقت لازم اش این است که نوشته  
شود دولت کنتراست او را باید ملغی  
نماید.

مخبر - بنده نمی خواهم در این موضوع  
توضیح مفصلی عرض کنم ولی همینقدر  
عرض میکنم که در این قبیل مسائل باید  
دولت را آزاد گذاشت و نمی شود بعوض  
میتواند باید نوشت.

البته چون دولت طرف اعتماد  
است اگر دیدید یک مستخدمی از عهده  
بر نمی آید کنتراستش را ملغی خواهد کرد  
در این صورت لازم نیست ما دولت را  
مجبور کنیم.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای  
آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام  
فرمایند.

(عده برخاستند)  
رئیس - قابل توجه نشد. ماده  
چهاردهم

(اینطور خوانده شد)  
ماده چهاردهم - بوزارت مالیه اجازه  
داده میشود ماده در هر یک از کنتراستها  
درج و مفاد ماده مزبور این خواهد بود که  
دولت بر حسب پیشنهاد رئیس کل مالیه  
ایران می تواند در هر موقع با پرداخت  
شش ماه حقوق و مخارج معاودت هر یک  
از کنتراست های مزبور را لغو نماید  
این ماده شامل اشخاصی که مشمول ماده  
سیزده می شوند نخواهند بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
(اجازه)

آقا سید یعقوب - ما اینجا امتحان  
کرده ایم چنانچه خاطر آقایان مسبوق  
است بکنفر را برای اداره بانک استخدام  
کردیم یک سال در اینجا ماند بعد رفت  
دلیلش هم این بود که می گفت من در  
این یک سال آمده بودم برای امتحان  
بنده نمی دانم علت اینکه این ماده را  
نوشته اند چه بوده است که می نویسد هر گاه  
رئیس مالیه خواست مختار باشد شش ماه  
حقوق آنها را بدهد و کنتراست آنها را فسخ  
نماید؟

بنده نمی دانم از چه نقطه نظر این را  
نوشته اند  
رئیس مالیه که محل اعتماد ما است  
تشریف می برند با آمریکا ما این مواد را تنظیم  
می کنیم و می دهیم بدست ایشان که بکلمه  
را استخدام کنند و بیاورند اینجا ایشان که  
اختیارات دارند دیگر این چیست که ایشان  
باز اختیار بدهیم که مستخدمین که آمدند  
فوراً پیشنهاد کردند که شش ماه حقوقش را  
بدهید پرود مخارج آمدن را داده ایم

مخارج معاودت را هم بدهیم شش ماه حقوق  
با بدهیم بنده نمی فهمم چه فلسفه دارد!  
اختیارات که با رئیس کل مالیه است و بدست  
دولت نیست.

برای اینکه مسؤول مستخدمین رئیس  
کل مالیه است نه وزارت مالیه و نه دولت  
اختیار دارند آن وقت یک چنین اختیاری هم  
بر رئیس کل مالیه بدهیم نمیدانم چه فلسفه  
دارد علت این زیاد خرج کردنها  
چیست؟

مخبر - این ماده چهاردهم یکی از  
بهترین مواد این کنتراست است زیرا آیا  
ممکن نیست این مستخدمین آمریکائی را  
که آوردند یکی دو نفر آنها آنطوری که  
مطابق دلخواه رئیس کل مالیه یا وزارت  
مالیه است نباشند؟

یابک جهانی پیش بیاید که لازم شود  
آنها از کار خارج شوند؟ اگر این  
ماده اینجا نباشد شما باید تا روز آخر  
کنتراست حقوق آنها را بدهید.

ولی این ماده اینجا ذکر شده است  
که دست دولت باز باشد در هر موقعی که  
بخواهند می توانند با دادن شش ماه حقوق  
و مخارج معاودت کنتراست او را لغو کنند و  
این یک ماده بسیار خوبی است که دست  
دولت را باز میکنند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی  
است.

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود  
(اینطور خوانده شد)

پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده  
معتقدم در ماده چهاردهم قبل از سطر  
اول از صفحه هفت عبارت ماده یازده  
اضافه شود.

رئیس - آقای حائری زاده  
(اجازه)

حائری زاده - بنده لازم میدانم  
در اطراف این ماده زیاد صحبت شود تا  
بخوبی مطلب روشن شود ولی آقایان مذاکرات  
را کافی دانستند.

در این ماده مینویسد که اگر دولت  
لازم دانست این مستخدمین آمریکائی را  
از خدمت معاف دارد شش ماه حقوق با آنها  
بدهد فقط ماده سیزده که راجع بسامعه  
مامورین بود آنرا مستثنی کرده اند

ولی ماده یازده که راجع بابنست که  
اگر کسالت مزاج پیدا کرد و بیش از مدتی  
که مرخصی باو داده بودند کسالت او طول  
کشید دولت میتواند کنتراست او را فسخ  
نماید.

در صورتی که ما در این ماده ماده  
یازده را هم مستثنی نکنیم ناچاریم در موقع  
فسخ شش ماه حقوق با بدهیم

پس لازم است در این ماده تصریح  
شود که اشخاصی که مشمول ماده سیزده و  
یازده می شوند این ماده شامل حالشان  
نخواهد بود

این ماده اینطور نوشته شود:  
بوزارت مالیه اجازه داده میشود ماده  
در هر یک از کنتراستها درج و مفاد ماده مزبور  
این خواهد بود که دولت بر حسب پیشنهاد  
رئیس کل مالیه ایران میتواند در هر موقع  
با پرداخت شش ماه حقوق و مخارج معاودت  
هر یک از کنتراست های مزبور را لغو نماید  
این ماده شامل اشخاصی که مشمول  
ماده ۱۱ و ۱۳ میشود نخواهد بود

مخبر - صحیح است  
رئیس - کمیسیون قبول میکند؟

مخبر - پیشنهاد را مجدداً بخوانند  
رئیس - مقصود ایشان اینست که  
نوشته شود مشمول ماده یازده و سیزده  
نخواهد بود.

(پیشنهاد آقای حائری زاده مجدداً  
قرائت شد)

مخبر - این اختلاف پیدا می کند  
چون آنجا نوشته است مخارج معاودت داده  
میشود. در ماده ۱۲ مینویسد:

هر گاه یکی از مستخدمین آمریکائی  
بدون دلیل موجهی از خدمت خود استعفا  
بدهد بادر انجام وظایف خود کوتاهی یا  
مسامحه ورزد دولت بر طبق پیشنهاد رئیس  
کل مالیه میتواند کنتراست او را ملغی نموده  
و در این صورت فقط حقوق ایامی که مشغول  
خدمت بوده و ایام مرخصی قانونی در باره او  
پرداخته میشود.

در این ماده مخارج معاودت کسر نمی  
شود ولی در ماده یازدهم مینویسد:

هر یک از مستخدمین آمریکائی مزبور  
که بواسطه علت مزاج مجبور بمعاودت  
وطن واستعفای از خدمت دولت ایران گردد  
مخارج معاودت او متناسب مخارجی که در  
موقع آمدن پرداخته شده است تأدیه  
خواهد شد.

در آن ماده رأی داده شده است که  
مخارج معاودت پرداخته شود در ماده ۱۲  
را اینجا استثناء کنیم تولید اشکال میکند

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد  
آقای حائری زاده. آقایان موافقین قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد  
آقای دامغانی  
(شرح آتی قرائت شد)

ماده ۱۴ سطر سوم بعد از کلمه مالیه  
نوشته شود: با تصویب مجلس شورای ملی  
رئیس - آقای دامغانی  
(اجازه)

دامغانی - مجلس و دولت وقتی که  
تشخیص دادند و صلاح دانستند عده از  
امریکائی ها استخدام شوند آنوقت در موقعی  
که دولت صلاح دانست با پیشنهاد رئیس  
کل مالیه در صورتی که مستخدمین مشمول  
ماده یازده و سیزده نباشند بانادیه شش ماه  
حقوق و مخارج معاودت کنتراست آنها را

نخواهد بود

نخواهد بود

بعقیده بنده نقض غرض است زیرا چنانچه در ابتداء برای کتیرات آنها مجلس رای داده است در موقع الغاء کتیرات هم باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد اینست که بنده پیشنهاد کردم دولت با پیشنهاد رئیس کل مالیه و تصویب مجلس شورای ملی کتیرات را فسخ کند

**وزیر مالیه** - آقا توجه نمی فرمایند که این مسئله از وظایف قوه مجریه است و دولت خودش باید تشخیص بدهد که وجود مأمور لازم است یا نیست اگر ما اجازه کتیرات را از مجلس شورای ملی میگیریم برای اینست که بطور کلی کتیرات نمودن مستخدمین خارجی باید با اجازه مجلس شورای ملی باشد نه اینکه بیائیم بگوئیم فلان شخص را شما برای فلان کار صالح میدانید یا خیر

اینطور نیست ما بطور کلی از مجلس اجازه میخواهیم که چند نفر مستخدم امریکائی میخواهیم استخدام کنیم اجازه دادند استخدام می کنیم اجازه ندادند استخدام نمی کنیم.

ولی پس از آنکه مجلس اجازه داد و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

**رئیس** - آقا سید یعقوب - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

**رئیس** - آقا سید یعقوب - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

**رئیس** - آقا سید یعقوب - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

**رئیس** - آقا سید یعقوب - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

**رئیس** - آقا سید یعقوب - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

تواند اینکار را بکند والا اگر این عبارت در این نامه قید شود با تصویب هیئت وزراء

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

**آقا سید یعقوب** - رای هم گرفته و استخدام نمودیم آنوقت اگر يك موانعی پیش آمد که هیئت دولت لازم دانست فلان مستخدم را جواب بدهد این بسته تشخیص دولت است و دیگر لازم نیست از مجلس اجازه بخواهد و مجلس تصویب کند توجه میداند که این پیشنهاد اقبال (چند نفری برخاستند)

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

ما خیلی کتیراتها هم در دوره های سابق گذرانده ایم و هیچوقت اینطور نبود که اگر بین مقرر و مستأجر اختلافی حاصل شد رجوع بحکمت کنند

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

این موادی است که خود رئیس مالیه ترتیب داده و او در واقع مسئول این کتیرات است حتی وقتی که ما خواستیم در بعضی مواد اینها را مسئول وزراء قرار بدیم جواب دادند مخالف آن موادی است که در دوره چهارم از مجلس گذشته است با این ترتیب و باینکه خود رئیس مالیه این اشخاص را معین و کتیرات میکند معذرت دیگر در موقع بروز اختلاف رجوع بحکمت صورت میگیرد

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مالیه خواهد بود

بهر حال اگر در کتیراتهای سابق چنین ماده بوده تجربات حاصله از گذشته بیا آورده شود که باید یک چنین ماده در اینجا قید شود و بهر صورت خیال میکنم ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

بیش نهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکند ماده پانزده بطریق ذیل اصلاح شود:

**پیش نهاد آقای شیروانی**

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

شده باید مسئله برود بدلیه

**آقای فروغی** که دفاع کردند خودشان رئیس دیوان عالی تمیز هستند و باید باین نوع مسائل بیشتر توجه کنند و بدانند که ماعدلیه داریم معاکمات مالیه داریم و خود رؤسای مالیه هم معاکمات مالیه مراجعات زیاد می کنند

چهارم دارد که این اختلاف هم در همانجا رسیدگی شود

زیرا يك نفر امریکائی که بمملکت ما می آید و مستخدم ما است باید تابع قوانین ما باشد و در معاکمات ما که معاکمات ما باشد هیچ تفاوتی با دیگری نداشته باشد اما اینکه در این ماده ذکر شده که هر اختلاف نظری که بین دولت ایران و یکی از مستخدمین امریکائی و همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند این اختلافی بین دولت ایران با آن مستخدم نیست

بلکه اختلاف بین او و وزارت مالیه که اداره موقوف او است حاصل می شود مخصوصاً در اینجا عبارت (دولت ایران) باید نوشته شود وزارت و در آنجا اشاره شده است

چنانچه سایر مستخدمین حتی مدیر کل و بالاخره تمام اشخاص را که باین اشخاص هم تیره هستند با آنجا مراجعه می کنند آنوقت اگر آقای مستخدم قانع و راضی نشود تقاضای تجدیدنظر کرد باید مسئله بحکمت عالی تمیز برود و در آنجا اختلاف نظر حل شود

اما در باب تفسیر قانون اگر حقیقه بکوفتی خواستند مواد قانونی را تفسیر کنند باید آن ماده را مطابق معمول بیاورند بمجلس شورای ملی و در آنجا آن ماده یا آن قانون تفسیر شود بنده از آقایان استدعا دارم که در این مسئله قدری بیشتر دقت فرمایند تا بکوفتی يك ماده است که در آتیه ما را بزحمات عجیبی می اندازد

اولا تفسیر قانون بکسی از حقوق مسلمه و خاصه مجلس شورای ملی است و هیچ مقامی غیر از مجلس حق تفسیر قانون را ندارد

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مالیه خواهد بود

بهر حال اگر در کتیراتهای سابق چنین ماده بوده تجربات حاصله از گذشته بیا آورده شود که باید یک چنین ماده در اینجا قید شود و بهر صورت خیال میکنم ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

بیش نهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکند ماده پانزده بطریق ذیل اصلاح شود:

**پیش نهاد آقای شیروانی**

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مالیه خواهد بود

بهر حال اگر در کتیراتهای سابق چنین ماده بوده تجربات حاصله از گذشته بیا آورده شود که باید یک چنین ماده در اینجا قید شود و بهر صورت خیال میکنم ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

بیش نهاد آقای شیروانی بنده پیشنهاد میکند ماده پانزده بطریق ذیل اصلاح شود:

**پیش نهاد آقای شیروانی**

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

وزیر مالیه معین می کند منتهی با موافقت رئیس کل مالیه خواهد بود

بهر حال اگر در کتیراتهای سابق چنین ماده بوده تجربات حاصله از گذشته بیا آورده شود که باید یک چنین ماده در اینجا قید شود و بهر صورت خیال میکنم ضرر ندارد بلکه نفع هم دارد

**رئیس** - آقا سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - مقصود بنده این است که این دائره اوسع را که بقدر دائره منطقه البروج است

قدری محدود کنیم تا حق مداخله هم از برای دولت باشد و ضرر ندارد که بتصویب هیئت دولت باشد

**مخبر** - اینجا گفته میشود دولت بر حسب پیشنهاد رئیس مالیه دولت همان هیئت وزراء هستند و غیر از هیئت وزراء دولت کسی نیست اختیار هم بدولت میدهد نه بدیگری مقصود این است که دولت با موافقت رئیس کل مالیه می تواند اینکار را بکند

**رئیس** - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت

دو نفر حکم او دو نفر هم وزیر مالیه و یک نفر سر حکم هم بتراضی معین خواهد شد که باختلاف و گفتگو خانه دهند. این نه مخالف حیوة ما است نه مخالف استقلال امور قضائی ما است و هیچ منافاتی هم با هیچ چیز ندارد. و این شرحی هم که فرمودند هیچ وارد نبود و باید جای نگرانی نیست و این یک ماده سهل و ساده ای است که در حقیقت بفتح طرفین است.

**رئیس** - رأی می گیریم پیش نهاد آقای شیروانی - استدعا میکنم یک مرتبه دیگر بخوانند.

(شرح سابق خوانده شد)

**وزیر مالیه** - چون ممکن است بعضی شبهات حاصل شود از اینجهت لازم است بنده یکتقدیری بیشتر توضیح بدهم. اولاً همانطور که آقای مخبر فرمودند این مسأله هیچ مربوط با استقلال و حیثیت و قضاوت و عدلیه نیست. باید ببینیم مصلحت در چیست؟ در صورتیکه هیچ اشکال هم نداشته باشد که بعد از رجوع کنند باز هم مصلحت در این است که به حکمت حل شود. ثانیاً در باب تغییر فرمودند این اشتباه خیلی بزرگ است زیرا تغییر قانونیکه با مجلس است آن مسأله دیگری است. قوه مجریه. قوه مقننه و قوه قضائیه هر سه تفسیر قانون میکنند منتھی هر کدام بیک وجهی و باید هم بکنند. اجرای قانون خودش تفسیر قانون است.

یک نفر وزیر یا یک نفر مدیر اداره یا هر کسیکه مطابق قانون عمل میکند خود آن تفسیر قانون است. منتھی تفسیر عملی است معلمیکه در مدرسه حقوق قوانین مملکت را درس میدهد آنهم تفسیر است.

این تفسیر عملی است قاضی که در محکمه عدلیه حکم صادر میکنند تفسیر قانون میکنند این تفسیر قضائی است. ولی وقتیکه یک اختلافاتی برای دولت پیدا میشود که مردم می شوند اعضاء ادارات و وزارتخانه ها و دولت در باب معنای قانون و در باب اینکه این قانون را چگونه اجرا کنیم آنوقت باید یک حکمی معین کنیم و آن حکم هم مجلس شورای ملی است می آوری از مجلس می پرسیم که شما چگونه دستور می دهید. اضافه شود و در صورت عدم موافقت رئیس کل مالیه با وزیر سر حکم طرفین بقرعه معین خواهد شد.

**رئیس** - بفرمائید.

**آقا شایخ محمد علی طهرانی** - عرض از این ماده رفع اختلاف بین

آن یکی می گوید خوب است اینطور عمل کنیم. این است که بالاخره حاکم را مجلس قرار می دهیم که او بگوید این قانونیکه فلانوقت اینطور از مجلس گذشت بهما از این باید اینطور باشد.

و اینکه اینجا گفته شده راجع بتفسیر کثرت او باید بحکمت رجوع شود نه این است که یک حق را از مجلس شورای ملی سلب می کند.

این تفسیر قانون نیست. این تفسیر کثرت است.

یعنی اختلافی پیدا می شود بین مستخدم دولت. مثلاً او می گوید بموجب اینکثرت باید صد تومان بمن بدهید یا مطالبه خرج سفر میکنند یا می گوید بموجب اینکثرت من در این مقام واقع شده ام که باید این ماده را درباره من اجرا کنید دولت می گوید خیر این ماده شامل تو نیست و آن ماده شامل تو است در اینصورت این آن تفسیر قانونی نیست که از وظیفه و حق مجلس شورای ملی باشد و گذشته از مسأله تفسیر و استقلال و قضاوت عقیده ما این است که اگر مسأله بحکمت رجوع شود و با آن طریق تمام شود بهتر است تا اینکه بیکه محکمه دیگری اهم از اداری و غیره رجوع شود.

**رئیس** - آقای شیروانی پیش نهاد خودشان را تغییر دادند بموض معا کما تالمالیه نوشته اند محکمه اداری.

رای گرفته می شود. بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمائید.

(عده قلبی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اشکر (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه تفسیر حذف شود.

**وزیر مالیه** - بنده قبول میکنم و خواهش میکنم آقای مخبر هم قبول کنند چون اشکالی ندارد لفظ تفسیر بردارند و بجایش در موقع اجراء کثرت آنها یا یک همچو عبارتی پیدا میکنم می نویسم

**مخبر** - بنده هم قبول میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای طهرانی (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که در آخر ماده اضافه شود و در صورت عدم موافقت رئیس کل مالیه با وزیر سر حکم طرفین بقرعه معین خواهد شد.

**رئیس** - بفرمائید.

**آقا شایخ محمد علی طهرانی** - عرض از این ماده رفع اختلاف بین

مستخدمین امریکائی است و وزیر مالیه واکر این عبارت را متمم ماده قرار نمی دادند و نمی نوشتند که (هر گاه تراضی در زمین سر حکم بعمل نیامد سر حکم را وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه معین خواهد نمود) اگر این عبارت را می نوشتند کفایت میکرد لیکن چون این عبارت را نوشته اند معنایش این است که ممکن است سر حکم معین بشود یعنی در تعیین آن اختلاف واقع شود بین رئیس کل مالیه و وزیر مالیه و البته وقتی اختلاف واقع شد همیشه این دعوا باقی است

آنوقت خاتمه این دعوا بچیست؟ فقط بقرهه است که سر حکم طرفین را بقرهه معین بکنند.

حتی در عدلیه هم سر حکم یعنی آن شخصی که حکم ثالث است اگر با اتفاق آراء معین نشد بتوسط قرعه معین می شود.

بنا بر این اگر در تعیین سر حکم توافق حاصل نشود باید بتوسط قرعه حکم معین بکنند.

**مخبر** - اینجا یکی از مواردی است که نمی شود اختیار را بدست قرعه داد چنانچه قید شده است.

دو تا حکم معین می شود یکی را وزیر مالیه و دیگری را طرف معین می کند حالا اگر در سر حکم ها تراضی پیدا نشد آنوقت وزیر مالیه با موافقت رئیس کل مالیه حکم را معین خواهد کرد و اگر در یک مورد توافق حاصل نشد البته در مورد دیگر خواهد شد بهر حال این پیشنهاد را نمی شود قبول کرد و بضرر ما است.

**رئیس** - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید (عده کمی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای اشکر (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه تفسیر حذف شود.

**وزیر مالیه** - بنده قبول میکنم و خواهش میکنم آقای مخبر هم قبول کنند چون اشکالی ندارد لفظ تفسیر بردارند و بجایش در موقع اجراء کثرت آنها یا یک همچو عبارتی پیدا میکنم می نویسم

**مخبر** - بنده هم قبول میکنم

**رئیس** - پیشنهاد آقای طهرانی (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می نمایم که در آخر ماده اضافه شود و در صورت عدم موافقت رئیس کل مالیه با وزیر سر حکم طرفین بقرعه معین خواهد شد.

**رئیس** - بفرمائید.

**آقا شایخ محمد علی طهرانی** - عرض از این ماده رفع اختلاف بین

بنده در کمیسیون بودجه هم با این ترتیب حکمت مخالف بودم و عقیده ام این است در مطالبی که در کمیسیون قانون مینویسم دیگر نباید در جزئیات آنهم هر روز یک قانونی بنویسم راجع بحکمت ما خودمان یک قانونی داریم و در آن قانون راجع باین قسمت هم نوشته شده است و دیگر دلیل ندارد که بیائیم در اختلاف بین یک مستخدم خارجی و دولت هم با قانونی وضع کنیم.

آقای ارباب کیخسرو برای مطالعه و اداریه تلقین از آلمان چند نفر را استخدام کردند و همین شرط را با آنها هم قبول نمودند در این صورت هیچ عیب ندارد که این مستخدمین امریکائی هم تابع قانون حکمت ایران باشند.

**مخبر** - این مذاکره در کمیسیون هم شد ولی دچار یک اشکالی شدیم و آن این بود که قانون حکمتی که میفرمایند صحیح است ولی آن قانون حکمت را مستخدم امریکائی از مفارش اطلاع ندارند باین جهت مخالف با آن قانونی که میفرمائید نیست.

**کازرونی** - استدعا میکنم پیشنهاد بنده را هم بخوانند.

(رئیس - رأی گرفته میشود قابل توجه بودن پیشنهاد آقای طباطبائی آقایانی که قابل توجهش می دانند قیام فرمائید)

**رئیس** - قابل توجه نشد.

**پیشنهاد آقای آقا شایخ جلال** (بترتیب ذیل قرائت شد)

اصلاح ماده یازدهم را بشرح ذیل میدانم:

که بعد از کلمه خواهد نمود وسط آخر اضافه شود و در هر حال حکم ها باید تبیه دولت علیه ایران باشند.

**رئیس** - بفرمائید.

**آقا شایخ جلال** - این پیشنهاد بنده با عقیده کمیسیون هم موافقت میکند و علاوه بنده معتقدم که باید در این قسمت حقوق ایران محفوظ باشد و حکم ها ایرانی باشند و اگر بنا شود این مسئله در قانون تصریح نشود ممکن است همیشه اوقات حکمها با اروپائی باشند یا اشخاص خارجی بنا بر این برای اینکه حقوق ایران تأمین شود بنده پیشنهاد میکنم که حکمها ایرانی باشند.

**مخبر** - نظر کمیسیون اینطور فرمودند نبود برای این که در این جا نمیشود در این ماده این قید را کرد زیرا آنطرف آنرا است و هر کسی را میخواهد باید انتخاب کند و همینطور هم آزاد هستیم.

**وزیر مالیه** - علاوه بر این بنده تصور میکنم شاید مصلحت نباشد که این قید ما را

بکنیم زیرا در کمیوردی ممکن است دولت ایران یک نفری را در نظر بگیرد که خیلی صالح باشد و دولت هم موافق باشد ولی تبیه ایران نباشد در این صورت نباید دست دولت را بست زیرا شاید در میان ایرانیها در یک مورد بخصوصی دولت کسی را در نظر داشته باشد که صالح باشد.

**رئیس** - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(عده قلبی برخاستند)

**رئیس** - قابل توجه نشد.

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب** (شرح ذیل خوانده شد)

بنده ماده ۱۰ را این نوع پیش نهاد میکنم:

در صورت ظهور اختلاف میان وزیر مالیه و یکی از مستخدمین مرجع هیئت وزراء است حکم هیئت وزراء در این موضوع قطعی است.

**رئیس** - بفرمائید.

**آقا سید یعقوب** - بنده نظرم تا اندازه موافق با فرمایش آقای شیروانی است زیرا اختلاف نظر بین دولت و مستخدم نیست.

دولت عبارت از هیئت وزراء است و آنها دارای یک عملیات دیگری هستند این مستخدم مسئول رئیس مالیه است و رئیس مالیه هم مسئول وزیر مالیه است.

یس اختلاف بین وزیر مالیه و مستخدم واقع میشود و در این کثرت در این قسمتش بنده خیلی میل دارم و همین طور همه آقایان هم نهایت میل دارند منتھی نمیدانم چرا اختلافی بین مستخدمی و دولت پیدا شد خود رئیس مالیه می تواند تشخیص بدهد و رفع اختلاف را بنماید.

هیئت وزراء مرجعیت دارد از برای تمام قضایا و دیگر لازم نیست ما این یک نفر مستخدم را طرف یک دولتی قرار بدهیم و یک محکمه تشکیل بدهند و حکم معین کنند از این جهت بنده عقیده دارم مرجع همان هیئت وزراء باشد و هر حکمی آنها صادر نمایند قاطع است.

**رئیس** - آقای تدین (اجازه)

**تدین** - بنده نیخواهم زیاد در این موضوع اطلاع بدم و بطور اجمال عرض میکنم که خود آقای آقا سید یعقوب تصدیق خواهند کرد که مدعی قاضی نباید باشد و دولت اینجادمعی ست و وزارت مالیه هم می گویند جز دولت است بنا بر این مدعی نباید قاضی باشد.

**وزیر مالیه** - مخالفت بنده در اینجا از برای این است که آقای آقا سید یعقوب در دست توجه نمی کنند.

**آقا سید یعقوب** - خوب می فهمم. (خنه نمایندگان)

**وزیر مالیه** - اجازه بفرمائید.

اگر در یک موردی اختلافی بین وزیر مالیه و آن مستخدم پیدا شد و حکمت آن بدولت رجوع شد اگر دولت حق به آن وزیر مالیه ندهد آن وزیر مالیه باید استفا بدهد.

وزیر مالیه خودش جزو دولت است آن وزیر مالیه که با دولت موافق نباشد نباید بماند در هر صورت وزیر مالیه باید با رأی دولت و دولت با وزیر مالیه موافقت بکنند باز بالمال وزیر مالیه خود دولت خواهد بود.

**رئیس** - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(عده کمی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد.

**پیشنهاد آقای سلطانی** (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم ماده یازدهم باین طریق اصلاح شود:

ماده ۱۰ هر اختلاف نظری که بین دولت ایران و یکی از مستخدمین امریکائی که بموجب این قانون استخدام شده است در ضمن اجرای کثرت او (غیر از مورد تشخیص اختیارات تولید کرد الی آخر ماده ۱۰) باشد بفرمائید.

**سلطانی** - یک اختلاف نظرهای است که آنرا خود رئیس مالیه بموجب کثرت اثر می تواند رفع کند چون در برابر نوشته شده است که: (غیر از مورد تشخیص اختیارات)

یعنی اگر در مورد تشخیص اختیارات اختلافی بین مستخدمی و دولت پیدا شد خود رئیس مالیه می تواند تشخیص بدهد و رفع اختلاف را بنماید.

در آنصورت محتاج بحکمت نیست و در غیر آن یعنی در مواردیکه بموجب اختیارات رئیس کل مالیه رفع اختلافات نمیشود آنوقت حکمت لازم پیدا نکند از این جهت اینطور پیشنهاد کردم که در مواردیکه رئیس مالیه میتواند رفع اختلاف را بنماید

اولین کار را بکنند و در غیر آن مورد باین ترتیبی که اینجا نوشته شده عمل شود.

**وزیر مالیه** - این پیشنهادی که شده است دولت میتواند قبول کند منتھی باین توضیحاتی که عرض میکنم اولاً چنانچه عرض کردم بنده موافقت می کنم باینکه لفظ غیر برداشته شود و یکی هم چنانچه در ضمن بیانات اینجا اشاره شد در بعضی موارد بعضی محظورات و اختلافات پیدا شد بین دولت و مستخدمین امریکائی که

آن اختلافات اسباب اشکال شد و آن اختلافاتی که اسباب اشکال شده بود راجع باختیاراتی که با آنها داده شده بود البته در آنصورت لازم نیست ما حکمت را اسباب اختلاف قرار بدهیم.

یس اگر اختیارات را خارج کنیم که در باب تشخیص اختیارات بحکمت مراجعه نشود آنوقت ده مانظور که عرض کردم باقی می ماند مواردیکه یک مستخدمی میگوید من واقع شده ام در مورد اجرای مثلا ماده (۱۳) یا فلان ماده دیگر یا اینکه ملیل شده ام باید بمن مرخصی بدهید یا خارج سفر بدهید و دولت میگوید خیر حالا موقعی نیست که خرج سفر داده شود یا فلان ماده اجرا شود و البته از این نوع اختلافات واقع میشود و باید هم حل بشود و حلش هم اگر بطریق محاکمه بشود هیچ ضرری ندارد و همانطور که عرض کردم بهترین طرز محاکمه هم حکمت است و بالاخره رجوع بحکمت میشود و اختلافاتی هم که اینجا ذکر شده است از این قبیل است.

**رئیس** - عقیده کمیسیون چیست؟

**مخبر** - واگذار به رأی مجلس می کنم.

**شیروانی** - مجلس باید رأی بدهد

**آقا سید یعقوب** - دولت قبول کرد

**رئیس** - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مساوات بترتیب ذیل خوانده شد - بنده اصلاح ماده یازدهم را بطریق ذیل میکنم در آخر ماده این عبارت را اضافه شود (و حکم حکمها قطعی خواهد بود)

**رئیس** - بفرمائید

**مساوات** - لابد هر اختلافی یک نفری را لازم دارد که بحق حاکمیت کند ولی فقط چیزیکه در حکمت لازم بود بنده تذکر بدهم این است که اینها باید قید شود که مثل سایر حکمتها تجدید نظر نشود و حکم حکم وقتی صادر شد قطعی باشد حالا اگر آقایان موافقت میکنند رأی بدهند

**رئیس** - عقیده کمیسیون چیست؟

**مخبر** - به رأی مجلس واگذار می کنم

**رئیس** - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید.

(عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد اجازه می فرمائید چند دقیقه تنفس داده شود؟

**جمعی از نمایندگان** - صبح است (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

**رئیس** - پیشنهاد آقای کازرونی (شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بجای ماده ۱۰ اینطور اصلاح شود:

ماده ۱۰ در صورت حدوث اختلاف بقصد دوم قانون محاکمات حقوقی مراجعه و بر طبق آن فصل شود

**رئیس** - بفرمائید

**کازرونی** - گمان میکنم تمام مقاصدی را که آقایان در نظر دارند در این ماده دارد زیرا در آن فصل قانون محاکمات حقوقی ما در قسمت حکمت این مراتب را هم ذکر کرده و دیگر محتاج نیست که ما در مقابل یک قانونی که داریم همین مقصود را هم میرساند.

در اینجا هم یک ماده اضافه کنیم و دو واقع آن قانونی که داریم خیلی بهتر و تمام تر و اوفی است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که بهمان فصل قانون محاکمات حقوقی مراجعه شود.

زیرا اگر آقایان با آن فصل مراجعه بفرمائید خواهند دید که تمام مواردی را که راجع بحکمت در نظر دارند بهتر از این که این جا نوشته شده است در آنجا هست

**رئیس** - آقای مدرس (اجازه)

**مدرس** - چون عضو کمیسیون بودجه هستم با این که حال ندارم لازم می دانم چند کلمه عرض کنم گمان این است که این مذاکراتی که راجع باین ماده شد خیلی آنها لزومی نداشت ولی معذرت در مسئله حکمت در این جا خیلی بهتر شد یکی گفت عدلیه یکی گفت فلان در صورتی که بقعیده بنده تمام خارج از موضوع بود اینجا محاکمه و تظلم و شکایت نیست که با و تم مطابق این قانون است بادر سایر قانونها هم هست

این جا صحبت در این است که در معنای لفظی اختلاف واقع شد این را کی باید حل کند؟ اینجا گفته اند باید این دو نفر یاسه نفر را معین کنند که این لفظ را معنایش تطبیق کنند مسئله محاکمه در این جا غلط است مسئله محکمه غلط است و هیچ ربطی به آن باب ندارد و اگر در باقی نوشتجات

هم معنای لفظی محل گفتگو واقع بشود باید اهل خیره معنای آن لفظ را معین کنند که مربوط به چه چیز است و متعلق بکدام مطلب است اینجا بعضیها پیش نهاد کردند که لفظ تفسیر را بردارند و بجایش چیز دیگری بگذارند.

این هم بی مورد است زیرا باید لفظ تفسیر باشد که تفهیم این مسئله ربطی به معاکه و حکمیت ندارد و فقط اختلاف در اجاره نامه است که این لفظی که در این اجاره نامه نوشته شده معنایش چیست؟

در این جا یکی باید باشد که رفع اختلاف را بنماید و مربوط به مجلس شورای ملی هم نیست چون مسئله دونفری و راجع بنفع و ضرر دونفری است و باید دو تا حکم معین کنند و یک نفر هم از طرفین معین شود آنها رای بدهند و طرفین مفاد آن رضایت پیدا کنند و آن قانونی که تفسیرش راجع به مجلس شورای ملی است قانونی است که بر کشتش بمملکت است و عمومی است و البته آن را هم و کلا چون نائب مناسب موکلین خود هستند حل خواهند کرد لیکن این حق مختص باین دونفر است و البته این دونفر هم وقتی حکم معین کردند رضایت خودشان را رفع اختلاف می شود و بقیه بنده مذاکره در این ماده زیاد بر این مقتضی نیست و اینطوری که نوشته شده و پیش نهاد شده است صحیح است و بموجب قوانینی هم که داریم همین طور باید نوشته شود.

قضیه که آقای مدرس فرمودند در همان اختلاف لفظ هم باید مامور مملکت دیگری دخالت در مسائل داخلی ما بکنند ولی چون ممکن است طرف مقابل بگوید حکمها از طرف یک دولت نباشد و از طرفین باشد ممکن است دولت ایران هم حکم را از اتباع امریکا معین کند یا آنها از اتباع ایران بکنند.

بالاخره از اتباع دولت طرفین حکمها را معین کنند مخیر - بنده خیال نمیکنم این چیزهایی را که فرمودید هیچکدامش مضرباشد یا اصلا لزومی داشته باشد که حکمین از اتباع دولت امریکا یا از اتباع دولت باشد شاید در موقعی برای دولت خودمان لازم باشد که یک نفر از اتباع مثلا دولت فرانسه یا بلژیک را معین کنند و اینکه فرمودید اگر چنانچه یک نفر فوسول یا یک نفر وزیر را معین کنند در امور داخلی ما است ابتدا اینطور نیست.

این قضیه حکمیت یک اختلاف نظری است که ما بین مستخدم و دولت واقع میشود و این را ممکن است بهر کسی میخواهند رجوع کنند که رفع اختلاف نظر بکنند و هیچ اشکالی ندارد.

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای شیروانی را قبایل توجه میدهند قیام فرمایند.

( چند نفری برخاستند )  
رئیس - قبایل توجه نشده  
پیشنهاد آقای شریعت زاده (بمضمون ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد میکنم که اگر در تعیین سر حکم بین وزیر مالیه و رئیس کل مالیه موافقت حاصل نشود هر یک از وزیر مالیه یا رئیس کل مالیه دونفر را معین و از میان آنها سر حکم را بوسیله قرعه معین نمایند .

شریعت زاده - بنده این پیشنهاد را برای این تقدیم کرده بودم که در خصوص مناقشات راجعه باصل حکمیت یعنی ماده ۱ یک توضیحاتی بدهم که رفع اشکال از آقایان نمایندگان محترم بشود و راجع باین موضوع بدیهی اینقدر مذاکره نشود.

رئیس کل مالیه مطابق درخواست خودش حکم رامعین می کند و بعد وزیر مالیه اعضاء می کند.

سر حکم باید یک کسی باشد که طرف اعتماد عامه باشد که ممکنه تمیز است با آنجا سر حکم رامعین کند که نقض و ابطال او مدخلیت داشته باشد.

زیرا دیوان تمیز حکومت دارد بنظر قضایا از این جهت بنده معتقدم که چنانچه تراضی با این رئیس مالیه و وزیر مالیه حاصل نشود در تعیین سر حکم دیوان عالی تمیز این سر حکم را معین خواهد کرد که در حقیقت دولت سر حکم رامعین کرده باشد نه اینکه وزیر مالیه یا بافق رئیس کل مالیه سر حکم رامعین کند که آن وزیر مالیه تابع رئیس کل مالیه باشد.

اینجا موضوع معاکه است و این اختیار دادن را با این کیفیت بنده مخالف مصالح مملکتی می دانم

مخیر - آقای طهرانی در ضمن اظهار خوشن آخرفرمودند باز آن سر حکم را دولت معین کند طرف راضی نیست دولت اکثریت همیشه متوجه اینطرف است همینطور که ما راضی نمی شویم او دو نفر حکمرا معین کند البته او هم راضی نمی شود و اما این که می فرمایند اگر اینطور باشد ممکن است وزیر مالیه پیدا شود که مطیع صرف رئیس کل مالیه باشد.

اگر ما اینطور در قضایا بخواهیم سره ظن داشته باشیم در تمام مسائل دچار اشکال می شویم و هیچ وقت نمی توانیم کاری از پیش ببریم ما نباید اینقدر سوء ظن داشته باشیم.

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای شریعت زاده را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - آقایانیکه پیش نهاد آقای طهرانی را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

رئیس - قابل توجه نشد ماده مراجعه می شود به کمیسیون سه فقره ماده الحاقی بودن پیشنهاد آقای طهرانی را باید در آنها رأی گرفته شود

از اول سال تا آخر سال این مخارج جزء را میآورند و ما تصویب میکنیم يك مرتبه جمع می شود می بینیم يك تناقض ما بین بودجه مصوب با آنچه که بتدریج تصویب کرده ایم .

حاصل می شود و ثانیاً بنده عرض میکنم که اگر چنانچه این خرجی که وزارت مالیه قابل شده مطابق قانون استخدام است دیگر چه احتیاجی بتصویب مجلس دارد همان وزارت مالیه مطابق قانون استخدام خودشان تعیین کنند و بپردازند و جزء بودجه مملکتی بعد بیاورند بمجلس و تصویب هم خواهد شد و اگر نیست بهتر این است قانون استخدامی که منحصر آ برای این موارد تصویب شده و تقریباً سالی دو کروم ملت ایران خسارت بجهت اجرای این قانون می دهد که بلکه ازین شر و شور هاراحت شود پس این قانون را الغاء کنید!

و بنده هیچ دلیلی برایش نمی بینم . هر چه مطابق قانون است که قانونی است و هر چه هم مطابق قانون نیست در تحت عنوان فقرات ، ضعیفست ، سابقه دارد ، چه هست يك لایحه علیحده می آورند و ما هم باید تصویب کنیم .

بنده این شخص را نمی شناسم کیست و چیست فقیر است یا نه ، هر هست مستحق زیاد است

ولی ما نیامده ایم اینجا بنشینیم و پولی را که از مردم فقیرتری می گیریم بمردم فقیر بدهیم سابقاً هم عرض کردم .

اینجا مجلس اخلاقی نیست اینجا ما یک پولی می گیریم از مجرای معین که بمجرای معین هم خرج کنیم .

معاون وزارت مالیه - آقای کازرونی توجه دارند باینکه در اینجا که تشریف دارند برای این است که اجر و پاداش خادمین و کسانی را که بدرستی خدمت کرده اند در يك مقام معینی تحکیم کنند و ضمناً جزای خائنین را هم بدهند و آنها را تعقیب بفرمایند .

این دو اصل است که برای مستخدمین دولت باعث تشویق است مرحوم میرزا محمد علیخان سهرابزاده هم مشمول یکی ازین دو اصل است .

سالهاست در وزارتخانه ها خدمت کرده و این او را از میان رفته است يك عده اولاد و باز ماندگان او هستند بدون هیچ وسیله .

اگر قانون استخدام اجازه می داد چنانچه نسبت بدیگران اجازه داده يك حقوقی بموجب قانون استخدام بر قرار کنند

البته احتیاج بتصویب مجلس نبود ولی این هم خودش یکی از تقصیر هائیکست که در قانون استخدام احساس شده است

و شاید هم موقع آن برسد که اصلاح آن تقاضا شود و استدعا شود که توجهی

باین مسئله بخصوص بکنند که مستخدمین که سالها بدرستی کار می و یا کی خدمت میکنند و پس از سالها خدمت یاد رحین خدمت اداری خودشان از بین میروند

بمقتول می شوند اولاد و ورثه آنها بی چیز میمانند زیرا که پدر آنها یا ولی آنها ، نان آور آنها کسی بوده است که بیای کی و درستی خدمت کرده و اندوخته برای آنها نگذاشته

و البته وظیفه دولتست که رعایت حال بازماندگان آنها را بنماید و بمجلس هم بچوقت مضایقه نخواهد کرد که بازماندگان آنها را رعایت کند و این هایکی از آنها است که وزارت مالیه رعایت این ملاحظات را کرده و پیشنهاد کرده و آنچه هم که اینجا گذاشته شده از حدود بودجه خرج مملکتی متجاوز نیست

البته این قبیل لواجیح هر وقت باموافقت وزارت مالیه بمجلس بیاید باید اطمینان داشت که کار رعایت شده است که از حدود بودجه مملکتی تجاوز نکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - رأی گرفته می شود آقایانی که ماده واحده را تصویب می کنند ورقه سفید والا کیود خواهند داد:

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بقرار ذیل حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول (۷۶) ، ورقه

کبود علامت رد (۱)

رئیس - عده حضار نود و پنج ، باهفتاد و شش رأی تصویب شد اسامی موافقین : آقایان آقا میرزا احمدخان اخگر ، آقا میرزا رضاخان افشار آقا میرزا سید احمد احتشام ، آقا شیخ هادی ، شیخ رئیس .

امیر حشمت ، آقا سید حسن اجاق آقا شیخ جلال الدین ، محمد ولی میرزا ، سیف الله خان - اسکندری ، آقا میرزا - حسین خان علائی .

سالار اشراف ، آقا سید حسن مدرس امین الشریعه - سالار لشکر ، ضیاء الملک ، آقا میرزا هاشم آشتیانی ، آقا سید مصطفی بهجانی .

سردار نصرت ، امیر احتشام ، ملک - الشعراء - اقبال الممالک ، معاضد السلطنه مدیر الدوله ، رهنا ، اعتبار الدوله - مستوفی الممالک ، مشیر الدوله قوام الدوله ، حاج آقا اسمعیل .

حاجی مشیر اعظم ، محمد هاشم میرزا نظم الملک نظیمی - آقا میرزا اعلی اکبرخان داور ، معظم السلطان - آقا سید حسن کاشانی رئیس التجار ، سردار منتصر ، مصدق الملک

آقا میرزا عبدالله خان معتمد ، عماد السلطنه سهراب خان - حاج میرزا رضا شریعتمدار نظام التولیه ، آقا سید محمد علی شوشتری دکتر آقایان ، صدر الاسلام - بن الملک ، صدیق السلطنه

ملک آراء ، شیروانی ، آقا میرزا محمد نجات ، ضیاء الواعظین سردار معتمد ، شیخ الاسلام ملایری - ضیاء الاطباء - دکتر امیر - خان اعلم حاج سیدالمحققین - غلامحسین میرزا حاج میرزا محمد رضا ، دست غیب ، حاج شیخ عبدالرحمن ، سهام سلطان ، آقا میرزا محمد حسین صدرائی .

آقا میرزا سلیم خان ایزدی ، دکتر اعیاء السلطنه مدیر الملک سهرابزاده آقا سید محمد تدین ، آقا میرزا احمد شریعتمزاده آقا میرزا ابوالدولہ ، وحید الدوله ، صدر - العلماء .

مفتی - دیوان بگی ، آقا میرزا آقا خان - کی استوان مخالف - آقای مساوات .

رئیس - آقای کازرونی پیش نهاد کرده اند جلسه ختم شود

**جمعی از نمایندگان - صحیح است**

رئیس - جلسه آینده سه شنبه دستور رآهم عرض می کنم بعد هر طور صلاح دانستند پیش نهاد بفرمائید

اولا خبر کمیسیون بودجه راجع باستخدام مستخدمین امریکائی

ثانیاً قندوشکر

ثالثاً خبر کمیسیون بودجه راجع به

ورانه مرحوم میرزا اسحق خان رهبر

**جمعی از نمایندگان - صحیح است**

**وزیر مالیه** - عرض بنده راجع بلیجه قندوشکر بود که آقای رئیس فرمودند که جز دست و جاسه آتیه است و عرض

ثانیم راجع بلیجه اعتبار موقتی اردیبهشت است که این را هم تقدیم می کنم

(مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی - م شهاب

منشی - دکتر احتشام طباطبائی

**جلسه یکصد و شصت و هشتم**

**صورت مشروح**

**مجلس یوم سه شنبه بیست**

**و نهم اردیبهشت ۱۳۰۲**

**مطابق بیست و پنجم**

**شوال ۱۳۴۳**

مجلس تقریباً سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای آقا میرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه بیست و هفتم اردیبهشت را آقای آقا شیخ هادی یزدی قرائت نمودند

رئیس - آقای روحی